

بسم الله الرحمن الرحيم

## احکام وطن (جلسه ۱۱)

س ۱) معیار در وطن اصلی چیست؟ آیا صرف تولد در مکانی و یا وطن والدین بودن آنجا کفایت می کند، یا اینکه رشد و نمو هم شرط است؟

ج) صرف تولد و یا وطن والدین بودن کافی و یا لازم نیست؛ بلکه مناط و میزان برای صدق وطن اصلی این است که انسان در ابتدای زندگی (یعنی دوران کودکی و نوجوانی) در مکانی رشد و نمو پیدا کند و بزرگ شود.

س ۲) اگر فردی در مقر موقت والدین که وطن آنها نیست، متولد شده، چند سال باید آنجا بماند تا آن مکان وطن اصلی او محسوب شود؟

ج) این امر عرفی است و باید در تشخیص آن از عرف استفسار کرد؛ البته مواردی از دو طرف یقینی است. مثلاً اگر پانزده یا بیست سال بماند یقیناً وطن صدق می کند و اگر دو سال بماند صدق نمی کند.

س ۳) معیار در وطن اتخاذی چیست؟ آیا قصد اقامت دائم شرط است؟

ج) برای اینکه مکانی وطن انسان محسوب شود لازم است که آنجا را برای اقامت (به طور دائم و یا بدون تعیین مدت) انتخاب نموده و در آنجا زندگی نماید؛ البته اگر قصد داشته باشد مدت مشخصی مثلاً ده سال یا پانزده سال در جایی زندگی کند صدق عرفی وطن در این صورت معلوم نیست مگر آنکه بخواهد مدت خیلی طولانی مثلاً چهل، پنجاه سال در آنجا بماند که در آن صورت آن مکان وطن او محسوب می شود.

س ۴) آیا در مکانی که قصد دارد همیشه بماند صرف نیت برای ترتب احکام وطن کافی است یا اینکه لازم است یک مدتی را در آغاز در آن مکان بماند تا احکام وطن برای او جاری شود؟

ج) برای صدق وطن صرف نیت کافی نیست بلکه تلبس به لوازم وطنیت هم لازم است مثلاً چنانچه کارهایی را انجام بدهد که عادتاً انسان برای توطن در یک محلی آن کارها را می کند (مثل تهیه منزل و راه انداختن کسب و کار) و لو زمانی هم نماند وطن صدق می کند و چنانچه لوازم توطن را فراهم نکند باید مدتی بماند تا وطن برای او صدق کند.

س ۵) فردی که بنادارد برای همیشه یا سالیان متمادی سالی سه چهار ماه در محلی زندگی کند آیا آنجا وطن او محسوب می شود؟

ج) اگر نیت توطن می کند در آن محل و وسائل زندگی در وطن مانند خانه و امثال آن را فراهم می نماید آنجا وطن دوم اوست.

س ۶) آیا برای تمام بودن نماز و صحیح بودن روزه لازم است که وطن صدق کند و یا همینکه مسافر محسوب نشود کفایت می کند؟

ج) در مکانی که بر او مسافر صدق نکند نمازش تمام و روزه صحیح است.

س ۷) کسی که می خواهد مدتی در شهری زندگی کند، برای عدم صدق مسافر بر او چند سال بماند کفایت می کند؟

ج) این قضیه عرفی است و علی الظاهر یکی دوسال کافی است.

س ۸) شخصی از وطن خود به شهر دیگری رفته است و می خواهد چند سال در شهر جدید زندگی کند و نیز احتمال می دهد دوباره برای زندگی به وطن خویش برگردد، اگر به صورت هفتگی برای دیدن اقوام به وطن خود برود، حکم نماز او در این دو شهر چیست؟

ج) نماز او در هر دو شهر، تمام است. [استفتاءات سال ۹۸، سایت لیدر]

س ۹) اگر کسی برای کار یا تحصیل و مانند آن، بنا دارد یک سال در شهر دیگری غیر از وطنش سکونت و زندگی کند، آیا آن شهر وطن دوم او محسوب می شود؟

ج) آن شهر وطن دوم او محسوب نمی شود، ولی در صورتی که به گونه ای سکونت دارد که در آنجا عرفاً مسافر محسوب نمی شود، نمازش تمام و روزه صحیح است و نیاز به قصد اقامت ده روز ندارد. (همان)

س ۱۰) اگر کسی برای زندگی در شهر دیگر، بدون نیت اعراض، از وطنش خارج شود ولی اطمینان دارد که دیگر به آنجا برنمی گردد، در این صورت همچنان حکم وطن برای او صادق است یا خیر؟

ج) اعراض محقق می شود و محل مذکور دیگر حکم وطن را برای او ندارد. (همان)